

Reviewing, Analyzing, and Criticizing the Printed Version of Faizi Fayyazi's Poetical Works

Seyyed Mohammad Rastgoofar *

Associate Professor of Persian language and literature, University of Kashan, Iran,
rastgoo14@yahoo.com

Mohammad Mostafa Resalatpanahi

Ph.D student of Persian language and literature, University of Kashan, Iran,
resalatpanahi1365.kashanu@gmail.com

Abstract

This research reviews and criticizes poetical works of Faizi Fayyazi who was a famous and reputable poet in tenth century (15th century AD) and was one of indisputable masters of Persian literature in Indian peninsula. Beside some imperfect lithographic transcription, in 1967, this poetic work was printed by research office of Pakistan and in 1362 (1983) the same print was offset printed by Foroughi publication in Iran with some incorrect manipulations. The main question of this research is how valid are these transcriptions and how far they can transfer the poet's intentions to reader. To answer these questions, we have reviewed and analyzed Faizi's poets (specifically lyrics) based on unfeigned and primeval manuscripts using scientific text correction methods and critical approach through comparing those manuscripts with printed transcriptions. With finding disruptions and distortions which were mainly the consequence of misread and/or editor's carelessness, we came to this conclusion that printed transcriptions except those distortions and disruptions, suffer from other handicaps like metre disorder, gaps, etc. and anyway are not meritorious to Faizi's poets. Therefore it's essential to scientifically reedit poetic works of this great poet.

Keywords: Persian Poetry in the Subcontinent, Faizi Fayyazi's Poetical Works, Critical Correction, Disruption and Distortion

* Corresponding author

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره اول (پیاپی ۳۷)، بهار ۱۳۹۷، صص ۶۳-۷۹

بررسی و تحلیل و نقد چاپ دیوان فیضی فیاضی

سید محمد راستگو فر* - محمد مصطفی رسالت پناهی**

چکیده

فیضی فیاضی یکی از عالمان و نویسندگان و شاعران توانای سده دهم و به‌یقین از استادان زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره هند و از پیشگامان سبک هندی است. در سال ۱۹۶۷، اداره تحقیقات پاکستان، دیوان این شاعر توانا را از روی چند چاپ سنگی ناقص، چاپ حرفی کرد و انتشارات فروغی همین چاپ را در سال ۱۳۶۲ با دست‌کاری‌هایی ناروا در ایران به‌صورت افست در اختیار همگان قرار داد. بررسی و نقد این دو چاپ، موضوع این مقاله است. پرسش اصلی این پژوهش این است که این چاپ‌ها تا چه اندازه ارزش و اعتبار علمی دارند و چه قدر توانسته‌اند سخن سراینده را چنان‌که بوده است در دسترس دیگران قرار دهند. در پاسخ به این پرسش‌ها، با بهره‌گیری از روش‌های تصحیح علمی متون، متن چاپی دیوان فیضی با دست‌نویس‌های ناب و معتبر دیوان او مطابقت و مقایسه شد و آشکار شد که در متن چاپی پاکستان، به سبب غلط‌خوانی‌ها یا کم‌دقتی‌های مصحح، انواع تصحیفات و تحریفات به‌طور گسترده راه یافته است. شمار این تصحیفات و تحریفات در چاپ ایران نیز به سبب دست‌کاری‌های نابه‌جا و نسنجیده، بسیار بیشتر شده است؛ این عوامل باعث شده است تا شعر فیضی از درستی و روانی، بسیار دور شود. نتیجه این پژوهش نشان‌دهنده ضرورت و نیاز تصحیحی تازه به‌صورت علمی انتقادی از دیوان این شاعر بزرگ و تواناست.

واژه‌های کلیدی

شعر فارسی در شبه‌قاره؛ دیوان فیضی فیاضی؛ تصحیح انتقادی؛ تصحیف و تحریف

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، ایران (نویسنده مسؤول) rastgoo14@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، ایران resalatpanahi1365.kashanu@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

۱- مقدمه

دیوان فیضی فیاضی، یکی از گنجینه‌های ارزشمند شعر فارسی در شبه‌قاره هند است. فیضی فیاضی شاعر نام‌آور و توانای سبک هندی و ملک‌الشعرای دربار اکبرشاه گورکانی است. دیوان او افزون‌بر ارزش‌های مستقل فراوان، منبعی دست‌اول برای مطالعه و بررسی شعر و زبان فارسی در شبه‌قاره هند است. شیخ ابوالفیض فیضی فیاضی (۱۰۰۴ - ۹۵۴ ق) مشهور به فیضی دکنی از شاعران و نویسندگان پرکار قرن دهم و چند سال اول قرن یازدهم است. کمابیش همه تذکره‌نویسان و مؤلفان ادبی و تاریخی، هنر و شیوه بیانش را ستوده‌اند و به استعداد او در شعر و هنرهای دیگر اشاره کرده‌اند؛ برای مثال خواجه نظام‌الدین احمد در *طبقات اکبری* او را یگانه عصر، از علمای کبار و مشایخ بزرگوار، بی‌همتا در مکارم اخلاق و انبساط طبع، در شعر سرآمد شعرای وقت و در انشا منفرد و یگانه می‌داند (نظام‌الدین احمد، ۱۹۳۱، ج ۲: ۴۸۷ - ۴۸۶). نویسنده هم‌زمان او، امین احمد رازی در *هفت‌قلیم* در ستایش او چنین نوشته است: «در فهم و دقت و جامعیت علوم و لطف شعر و حسن مقال عظیم‌المثال است و در حدت طبع و کثرت فهم و دقت خیال مشرف بر مرتبه کمال و در انشاء و مکارم اخلاق و انبساط طبع بی‌همتاست. اشعارش از غایت اشتها، احتیاج به اظهار ندارد» (امین احمد رازی، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۴). مؤلف *عرفات‌العاشقین* که تذکره‌اش را چند سال پس از وفات فیضی نگاشته است، بر والایی مقام علمی و ادبی فیضی تأکید می‌کند و با تعابیر سلطان‌العلماء و الفضلاء، شهریار اقلیم سخن، تازه‌ساز اسم‌های کهن، استادالکلام، مشکات‌الظلام، گوهر رموز حقایق و جوهر عروض حقایق، او را می‌ستاید (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۳۳۴۱).

از فیضی افزون‌بر نوشته‌های فراوان مثنوی، خمسه‌ای ناتمام و دیوان گسترده‌ای در دست است.^۱ بخش بیشتر این دیوان غزل‌های اوست. این غزلیات جلوه‌گاه اصلی هنر اوست. بعضی از پژوهشگران، غزل او را ادامه غزل بابافغانی (صبور، ۱۳۷۰: ۵۴۴) و بعضی ادامه غزل حافظ دانسته‌اند؛ هرچند می‌توان گفت ویژگی‌های سبک هندی در غزل‌هایش نمود بیشتری دارد و او را باید از پیشگامان این سبک دانست.

۱-۱ ضرورت تحقیق

اهمیت تصحیح و انتقادی متون چیزی نیست که امروزه بر اهل علم و ادب پوشیده باشد. فن تصحیح علمی و انتقادی در روزگار ما بسیار پیشرفت کرده است و انتظار می‌رود تصحیح متون دست‌نویس با بهره‌گیری درست از قواعد این دانش به انجام رسد؛ بنابراین می‌توان متونی را که بدون بهره‌گیری از این قواعد چاپ شده است، دوباره به صورت علمی و انتقادی تصحیح کرد. «نکته‌ای که در نقد و تصحیح آثار و متون ادبی باید مورد توجه اهل زبان باشد، تصحیحات مجدد و یا تجدید تصحیح آنهاست؛ زیرا متون ادبی به علت استقبال عموم اهل زبان، در طول تاریخ دچار دگرگونی‌های فراوان شده است» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۳۱۴). چاپی که در پاکستان از دیوان فیضی انجام شده است و سپس در ایران افست گردید با عنوان تصحیح ارائه شد؛ اما تصحیح علمی و انتقادی نیست و بدون بهره‌گیری از روش‌های درست و علمی تصحیح، باتوجه‌به چند دست‌نویس متأخر انجام شده است. افزون‌بر این حاصل کار به سبب بی‌روشی و غلط‌خوانی و کم‌دقتی و عیب و کاستی‌های دست‌نویس‌های استفاده‌شده، سرشار از تصحیفات ریز و درشت است. این تصحیفات نه تنها خوانندگان عادی بلکه اهل فن را در درک شعر فیضی با دشواری روبه‌رو می‌کند و یا به بی‌راهه می‌کشاند. وجود این غلط‌ها و اشتباهات فراوان، نیاز تصحیحی دوباره و درست و انتقادی از دیوان فیضی را آشکار می‌کند. این تصحیح باید برپایه دست‌نویس‌های کهن‌تر و اصیل‌تر و با بهره‌گیری از شیوه‌های علمی انجام شود.

۲-۱ پیشینه تحقیق

فیضی در تاریخ ادبیات فارسی و به‌ویژه در شبه‌قاره هند جایگاه والا و شایسته‌ای دارد و شعرش در ایران و هندوستان دوستداران بسیاری داشته است؛ به همین سبب دیوانش چندبار و بیشتر به‌صورت سنگی و به‌طور ناقص چاپ شده است که از آن میان به این آثار می‌توان اشاره کرد:

۱) *دیوان فیضی* چاپ مطبع افتخار دهلی (۱۸۹۴ م)، در ۱۸۸ صفحه، مشتمل بر ۳۳۱ غزل و گزیده رباعیات، قطعات و قصیده‌ای در توحید است.

۲) *دیوان فیضی* چاپ مفیدالخلاقیق دهلی، غره رمضان (۱۲۶۸ ق)، (۱۸۵۱ م) خلاصه‌ای از *دیوان* وی در ۲۰۸ صفحه است.

۳) *دیوان فیضی* چاپ فیروزالدین لاهور در ۱۲۲ صفحه است (نوشاهی، ۱۳۹۱: ۲۰۸۰).

۴) *دیوان فیضی* چاپ اداره تحقیقات پاکستان شامل قصاید و ترکیب‌بندها و غزلیات در ۵۹۶ صفحه است.

۵) *کلیات فیضی*، جلد ۱، مشتمل بر قصاید و ترکیب‌بندها، غزلیات و مطالع، چاپ انتشارات فروغی ایران (افست از روی چاپ اداره پاکستان) با اندک دست‌کاری و مقدمه کوتاهی درباره فیضی در ۵۷۶ صفحه است.

دو پژوهش کوتاه درباره اندیشه و افکار و سبک فیضی انجام شده است (شکفته، ۱۳۸۹)؛ (غفاروا، ۱۳۹۰) و جز این دو پژوهش، درباره تصحیح انتقادی آثار و سبک شعری و درون‌مایه‌های موجود در *دیوان فیضی* به‌طور گسترده پژوهشی انجام نگرفته است.

۲- شیوه تصحیح دیوان فیضی چاپ پاکستان

در سال ۱۳۴۶ شمسی (۱۹۶۷ میلادی) اداره تحقیقات پاکستان قسمت اول *دیوان فیضی* را چاپ کرد. این اثر در سال ۱۳۶۲ با اندک دست‌کاری و مقدمه کوتاهی از حسین آهی در ایران چاپ (افست) شد. ای. دی ارشد با استفاده از دست‌نویس‌های زیر توانست *دیوان* شاعر را در اداره تحقیقات پاکستان به چاپ برساند:

۱) نسخه آزاد کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور ذیل شماره 520VI با تاریخ نگارش ۱۲۲۵ هـ ق؛

۲) نسخه شیرانی کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور ذیل شماره 62VI بدون تاریخ نگارش؛

۳) نسخه آذر کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور بدون شماره و تاریخ نگارش؛

۴) دو نسخه علیگر کتابخانه دانشگاه مسلم با شماره‌های ۱۳۱ و ف ۱-۲۴ بدون تاریخ نگارش؛

۵) نسخه حبیب‌گنج کتابخانه حبیب‌گنج به شماره ۲۱۴۳ با تاریخ نگارش ۱۰۶۳ (ای. دی. ارشد، ۱۹۶۷: مقدمه، ۱۲-۱۰)

در باب شیوه تصحیح *دیوان فیضی* چاپ پاکستان چند نکته مهم گفتنی است که در ادامه بیان می‌شود:

۲-۱ مشخص نبودن دست‌نویس اساس و چگونگی استفاده از سایر دست‌نویس‌ها

در مقدمه و پیش‌گفتار *دیوان*، هیچ اشاره و نشانه‌ای مبنی بر تعیین دست‌نویس اساس دیده نمی‌شود و در باب اهمیت و اعتبار دست‌نویس‌ها و شیوه استفاده از آنها سخنی به میان نیامده است. بیشتر دست‌نویس‌های استفاده‌شده مصحح، متأخر است و اصالت چندانی ندارد؛ به نظر می‌رسد در تصحیح از همه دست‌نویس‌های بالا استفاده نشده است و جز نکاتی نادر و کم‌اهمیت، هیچ نشانه‌ای از مقابله جدی، ذکر نسخه‌بدل‌ها، اجتهاد و استنباط مشاهده نمی‌شود.

۲-۲ نداشتن تعلیقات یا فهرست‌ها

از بایسته‌های تصحیح علمی و انتقادی، افزودن تعلیقات است؛ به‌ویژه درباره متونی مانند *دیوان فیضی* که سرشار از ابهام و ایهام هستند و نیاز به توضیح و گره‌گشایی دارند. نکته دیگر افزودن فهرست‌های گوناگون و کارآمد (فهرست

اعلام، لغات، ترکیبات، کنایات، تلمیحات و اشارات) است که کار پژوهشگران را بسیار آسان می‌کند. این دو ویژگی بسیار مهم است که چاپ دیوان فیضی از آنها بی‌بهره است.

۲-۳ مشخص نکردن دست‌نویس غزل‌ها

در متن چاپی دیوان، تعداد غزل‌ها ۷۶۴ است؛ اما تعداد غزل‌ها در شش دست‌نویس استفاده‌شده نویسنده‌گان این جستار، از ۴۰۰ تا ۶۰۰ غزل است. در مقدمه یا در متن دیوان فیضی چاپ ایران و پاکستان، هیچ اشاره‌ای به تعداد غزل‌ها یا قصاید در هر یک از دست‌نویس‌ها نشده است؛ هم‌چنین درباره‌ی اینکه هر غزل در کدام دست‌نویس بوده و در کدام نبوده، سخنی به میان نیامده است. بیشتر دست‌نویس‌های در دسترس از دیوان فیضی در قرن یازده نوشته شده است (ر.ک: درایتی، ۱۳۹۱، ج ۱۴: ۹۵۴). دست‌نویس‌های استفاده‌شده نگارندگان این پژوهش در تصحیح انتقادی غزلیات وی عبارت است از:^۲

- دست‌نویس کتابخانه ملی ایران به شماره ۱۵۳۹۷، با نشان «م»، شامل کلیات فیضی است مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، اشعار دیگر و از جمله مثنوی مرکز ادوار، ۳۳۲ برگ ۱۷ سطری، به خط زیبای نستعلیق، بدون کاتب، تاریخ نگارش: شاید قرن ۱۱؛

- دست‌نویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۶۶۷، با نشان «ج»، دیوان فیضی است مشتمل بر دیباچه‌ی مثنوی، قصاید، غزلیات به ترتیب تهجی، رباعیات و...، ۲۰۳ برگ ۱۵ سطری، خط نستعلیق، کاتب: محمد مؤمن بن نصیرالدین محمد، تاریخ نگارش: ۲۰ شعبان ۱۰۰۵ ق؛

- دست‌نویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۴۷۴، با نشان «ل»، ۴۰ برگ ۱۸ سطری، به خط نستعلیق خفی، تاریخ نگارش: ۱۰۱۶ ق. این دست‌نویس شامل منتخبی از قصاید و غزلیات و رباعیات فیضی است؛

- دست‌نویس کتابخانه و موزه ملی ملک به شماره ۴۷۳۷، با نشان «ک»، دیوان فیضی است با دیباچه‌ی مثنوی که خود او نوشته است؛ ۲۱۴ برگ ۱۲ سطری، به خط نستعلیق خوش، بدون کاتب، تاریخ نگارش: قرن ۱۱ (در صفحات آغازین دست‌نویس، دو تاریخ ۱۰۶۴ و ۱۰۹۷ ذکر شده است)؛

- دست‌نویس کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۴۳۴۵، با نشان «ق»، مشتمل بر قصاید (ص ۶۶ - ۴)، غزلیات (ص ۱۶۵ - ۶۷)، قطعات و ماده‌تاریخ‌ها (ص ۲۳۱ - ۱۶۶)، مثنوی نل و دمن و مرکز ادوار (ص ۳۶۵ - ۲۳۲)، خط: نستعلیق زیبا، بدون کاتب، تاریخ نگارش: قرن ۱۱؛

- دست‌نویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۴۷۵ با نشان «ت»، شامل دیباچه‌ی نثر فیضی در شرح حال و آثار خویش (ص ۴ - ۱)، قصاید و ترکیب‌بندها (ص ۱۱۳ - ۵)، غزلیات، قطعات، رباعیات و مفردات (ص ۴۳۸ - ۱۱۵) و در مجموع ۷۵۰۰ بیت است. اهمیت این دست‌نویس در آن است که در کتابخانه‌های ترکیه بوده است و سفیر ترکیه در ایران آن را به کتابخانه مجلس تقدیم کرد. این دست‌نویس در ضبط ابیات بسیار دقیق است و این نشان می‌دهد که از روی دست‌نویس معتبری نوشته شده است.

همه دست‌نویس‌های استفاده‌شده نگارندگان این جستار از نظر دقت در ضبط کلمات و ابیات، ارزش بالایی دارند و به گمان بسیار از روی دست‌نویس‌های مادر یا نزدیک به اصل نوشته شده‌اند. از میان دست‌نویس‌های نامبرده، دست‌نویس «ج» از نظر اصالت و قدمت و دقت در ضبط ابیات ارزش بیشتری دارد؛ این دست‌نویس یک سال پس از مرگ فیضی نوشته شده است و به‌نوعی دست‌نویس اساس پژوهشگران این مقاله به شمار می‌رود. دست‌نویس‌های «ت»

و «ق» نیز نسبت به دست‌نویس‌های دیگر ابیات بیشتری را ضبط و ثبت کرده‌اند.

۳- بررسی نادرستی‌ها و اشتباهات غزلیات دیوان

دست‌نویس‌های برجای مانده از آثار پیشینیان، به سبب بدنویسی و بدخوانی و بدشنوی و نیز خطاهای ذهنی سرشار از انواع تصحیف، تحریف و غلط‌اند و همین عوامل تصحیح علمی و انتقادی دست‌نویس‌ها را ضروری می‌کند. البته گفتنی است که اگر تصحیح‌کننده شرایط لازم را نداشته باشد، بسیاری از خطاهای موجود در دست‌نویس‌ها را به تصحیح خود راه می‌دهد و حتی خود نیز بر اثر بدخوانی و بدفهمی، نادرستی‌های تازه‌ای بر آنها می‌افزاید. نمونه آشکار این نوع تصحیح‌ها، تصحیح دیوان فیضی است که هم به سبب نادرست بودن دست‌نویس‌های استفاده‌شده و هم به سبب بی‌دقتی‌ها و بدخوانی‌ها سرشار از غلط و تصحیف است. البته بسیاری از غلط‌ها و تصحیف‌ها را با مراجعه به دست‌نویس‌های اصیل‌تر و درست‌خوانی دست‌نویس‌ها می‌توان اصلاح کرد. در ادامه تلاش می‌شود تا نمونه‌هایی از خطاها و تصحیفات بررسی شود که با راه‌یافتن به دیوان چاپی فیضی، به‌ویژه غزلیات، به شعر او آسیب زده است. این خطاها را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

۳-۱ خطاخوانی‌ها، تحریفات، تصحیفات و خطاهای تایی

۱ فریب صورت کثرت مکن تماشایی هزار پاره دل عاشقان یکتا را

(فیضی، ۱۳۶۲: ۱۷۹)

مصراع نخست افزون‌بر نداشتن معنی درست، با مصراع دوم نیز پیوند استواری ندارد و پیداست که تصحیف و نادرست است. صورت درست «فریب صورت کثرت مخور تماشا کن» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۳۹)، ق (برگ ۱۳۶) م (برگ ۲۵۰) مشاهده می‌شود. این‌گونه، بیت معنی روشنی دارد و نیز پیوند مصراع‌ها استوار می‌گردد.

۲ از دل غبار تو که برویم عبارت است گلگون باده جلوه میدان رفته را

(همان: ۱۹۹)

مصراع نخست هم از نظر معنی و هم از نظر وزنی مشکل دارد. «از دل غبار توبه برویم که درخور است» در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۴۰) ق (برگ ۱۳۸)، ل (برگ ۲۲)، م (برگ ۲۴۸) آمده است و این ضبط، هم وزن را روان می‌کند و هم معنی رندانه زیبایی به سخن می‌دهد.

۳ در خواب راحت اند نه بیمار نرگش کوتاه کن ای طیب فسونگر فسانه را

(همان: ۲۰۲)

مصراع نخست با «نه» به‌هیچ‌روی معنی و ساختار درستی ندارد و بی‌گمان «نه» تصحیف «دو» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۲۰)، ق (برگ ۱۴۶)، ک (برگ ۹۳)، م (برگ ۷) آمده است و با آن ساختار و معنی مصراع به‌طور کامل روشن و درست می‌شود.

۴ تالاب ما چنین که شد خشت رواق میکده زود بود که بنگری بر سر خم نشست ما

(همان: ۲۱۰)

مصراع نخست با «تالاب» به‌هیچ‌وجه معنی درستی ندارد و بی‌گمان تصحیح «قالب» است که در دست‌نویس‌های ت

(برگ ۱۳۵)، ق (۱۳۶)، م (برگ ۲۵۱) آمده است و امکان تصحیف آن به «تالِب» بسیار است.

۵ آن شبستان تجلی است که گر دست دهد دود زین شمع پی و سمه برد حور امشب
(همان: ۲۲۵)

«دود» معنی مناسبی ندارد و درست‌تر آن «دوده» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۴۲)، ق (۱۵۴)، ک (برگ ۱۱۱)، م (برگ ۱۲) آمده است؛ زیرا از دوده برای و سمه و رنگ استفاده می‌شده است.

۶ ای آمده غافل ز نم دیده عشاق آن رنگ ندیدی که بر آینه مه بست
(همان: ۲۳۸)

معنی بیت با «رنگ» نیز سازگار است؛ اما فضای تصویری و اشاری بیت خواهان «زنگ» است که در ت (برگ ۱۷۳)، ق (برگ ۱۷۸)، م (۲۴ برگ) آمده است و با غم و آینه تناسب و پیوندی آشکار دارد. صائب می‌گوید:

هر که را آینه بی‌زنگ است می‌داند که من از دل روشن چه زین فیروزه گلشن می‌کشم
(صائب، ۱۳۸۳، ج ۵: ۲۶۰۰)

۷ بی‌رحم دل سپرده ام از ناز خون مکن کین مرغ پر شکسته به بسمل برابر است
(فیضی، ۱۳۶۲: ۲۴۴)

«بی‌رحم دل سپرده‌ام» به‌هیچ‌روی معنی درستی ندارد و از نمونه‌های شگفت‌انگیز تحریف است؛ درست آن «بی‌رحم دل پسر، دلم» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۵۵)، ق (برگ ۱۷۰)، ک (برگ ۱۲۹)، م (برگ ۱۹) آمده است و معنی روشن و استواری دارد.

۸ قیمت جوهر آینه خود دان که هنوز کلفت دیده خورشید به ماه تو کم است
(همان: ۲۵۷)

«کلفت» در آغاز مصراع دوم که به معنی سختی و رنج است، به‌هیچ‌روی با فضای معنایی و تصویری بیت تناسب ندارد و درست «کَلَف» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۶۰)، ق (برگ ۱۶۴)، م (برگ ۲۵۱) آمده است و به معنی لکه‌های سیاه موجود بر روی ماه است و بیت با آن، معنی استوارتری می‌پذیرد. با بیت زیر سنجیده شود:

از شرم کیست جبهه مه پر کلف که باز امشب نشسته گرد به سیمای ماهتاب
(اکسیر اصفهانی، ۱۳۹۵: ۲۱)

۹ فیضی به بحر دیده من گر فرو روی خورشید چرخ گوهر یکدانه من است
(فیضی، ۱۳۶۲: ۲۵۹)

این بیت نمونه‌ای از دست‌کاری‌های نابه‌جایی است که در چاپ تهران دیوان فیضی انجام شده است؛ زیرا هم در دست‌نویس‌های ق (برگ ۱۷۸)، ک (برگ ۱۳۱)، م (برگ ۲۵) و هم در چاپ اداره تحقیقات پاکستان به‌جای «چرخ»، «نرخ» آمده است؛ اما حسین آهی با دست‌کاری در متن به قرینه خورشید، واژه «نرخ» را به «چرخ» تغییر داده است و با این تغییر معنی بیت را خراب کرده است.

۱۰ روی زمین ز گریه ماتم گرفته است طوفان اشک ماست که عالم گرفته است
(همان: ۲۶۰)

مصراع نخست معنی زیبایی ندارد و با مصراع دوم نیز پیوند محکمی ایجاد نمی‌کند؛ اما «ما نم» که در

دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۷۰)، ق (برگ ۱۷۶)، م (برگ ۲۳) آمده است، معنی مصراع را روان و پیوند بیت را استوار می‌کند.

۱۱ تا که خواهد گذشت در نظرم که به خشم من اضطرابی هست
(همان: ۲۶۴)

مصراع دوم به این‌گونه با مصراع نخست پیوند درستی ندارد. به گمان بسیار «خشم» تصحیف «چشم» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۴۸)، ق (برگ ۱۶۰)، ک (برگ ۱۲۱)، م (برگ ۱۵) آمده است و با آن معنی و پیوند بیت آشکار می‌شود. نیز دور نیست که خطای نوشتن با ماشین تحریر باشد. هم‌چنین عکس این تصحیف یا خطای چاپ حروف، تبدیل «خشم» به «چشم»، در بیت زیر دیده می‌شود:

۱۲ چه گفته اند ز من باز کآن بهانه طلب به چشم می‌رود و در سراغ می‌پیچد
(همان: ۲۹۸)

در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۶۲)، ج (برگ ۳۳)، ق (برگ ۲۵۶)، ک (برگ ۱۹۴)، م (برگ ۶۳) «خشم» آمده است.

۱۳ دور فلک آن نیست که در دست تو باشد آخر شب پیدا و مرا هم سحری هست
(همان: ۲۶۴)

پیداست که دو کلمه «پیدا و» در مصراع دوم، سخن را از روانی و درستی انداخته است. درحقیقت «پیدا و» تصحیف «بیداد» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۴۵)، ق (برگ ۱۵۶)، ک (برگ ۱۱۵)، م (برگ ۱۳) آمده است و سخن با آن درست و استوار می‌شود.

۱۴ اگر دو کون نثارت کنم ز من پذیر که دست مورچه ناید به غیر پای ملخ
(همان: ۲۸۷)

مصراع دوم افزون‌بر نداشتن معنی درست، با مصراع نخست نیز پیوند استواری ندارد. در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۸۴)، ق (برگ ۱۹۸)، ک (برگ ۱۶۲)، م (برگ ۳۱) «ز دست مور، چه آید» (به صورت پرسش) آمده است که معنی روشن‌تری دارد و نیز با مصراع نخست پیوند استواری برقرار می‌کند.

۱۵ متاع صبر در بازار ما گو کاروان بگشا که در سودا زیان این جا نگرده سود می‌گردد
(همان: ۲۹۹)

مصراع دوم معنی روشن و استواری ندارد. جای‌گزینی «به گرد» به جای «نگردد» که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۴۳)، ج (برگ ۱۱)، ق (برگ ۲۳۲) آمده است، معنی روان و درست و پارادوکس نیکویی به سخن می‌دهد.

۱۶ زلف تو هزار پارسا را از کعبه به دهر موکشان برد
(همان: ۳۰۷)

«از کعبه به دهر بردن» نادرستی آشکار است و پیداست که «دهر» تصحیف «دیر» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۰۹)، ق (برگ ۲۱۶)، م (برگ ۴۷) آمده است. «از کعبه به دیر بردن» مضمون رندانه آشکار و پرکاربردی است.

۱۷ پرواز شوق من پی صیادپیشه‌ای است کز طبل ناز او خرد و هوش می‌پرد
(همان: ۳۰۷)

شاید بتوان «طبل ناز» را اضافه تشبیهی گرفت و بیت را معنی کرد؛ اما فضای صید و شکاری بیت آشکار می‌کند که

«طبل ناز» تصحیف «طبل باز» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۹۲)، ق (برگ ۲۰۲)، ک (برگ ۱۴۰)، م (برگ ۳۵) آمده است و با فضای معنایی و اشاری بیت هماهنگ است. طبل باز طبلی است که شکارچیان برای پرواز دادن و فراخواندن باز شکاری از آن بهره می‌گرفتند. با بیت زیر سنجیده شود:

از بانگ طبل باز، دل ما نمی‌رمد ما کبک خود به چنگل شهباز داده ایم
(عرفی شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۶۹۱)
۱۸ حسن توبه این بلند و پستی از تارک ماه تاج گیرد
(فیضی، ۱۳۶۲: ۳۱۶)

بیت با «بلند و پستی» معنی درست و شیوایی ندارد. در ت (برگ ۲۴۷)، ج (برگ ۱۹)، ق (برگ ۲۴۲)، م (برگ ۵۲) «بلنددستی» به معنی بلندپایگی آمده است؛ معنی بیت با این ترکیب زیبا روشن و روان می‌شود.

۱۹ شستند کارنامه معنی به آب رز جز نقش کارنامه چین و چگل نماند
(همان: ۳۳۳)

به گمان بسیار «کارنامه» در مصراع دوم تصحیف «کارخانه» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۱۵)، ج (برگ ۱۸)، ق (برگ ۲۲۲)، م (برگ ۵۱) آمده است و با چین و چگل تناسب و پیوندی آشکار دارد. با بیت زیر سنجیده شود:

آن پوری پیکر حصارنشین بود نقّاش کارخانه چین
(نظامی، ۱۳۹۰: ۲۱۹)
۲۰ حسن هر جا که شود مجمره گردان نگاه پاک‌بینان شرر کج‌نظران دور برند
(فیضی، ۱۳۶۲: ۳۵۱)

مصراع دوم به این شکل معنی روشنی نمی‌پذیرد و درست «پاک‌بینان شرر و کج‌نظران دود» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۵۱)، ج (برگ ۳۵)، ق (برگ ۲۳۸) آمده است. این عبارت، هم معنی روشن و استواری به سخن می‌دهد و هم بیت را به آرایه تقسیم دل‌پذیری می‌آراید.

۲۱ هرکه می از دست تو بدمست خورد سنگ نه بر شیشه گردون زند
(همان: ۳۵۲)

مصراع دوم معنی درست و دست‌کم روشن و روانی ندارد. «سنگ نه بر» تصحیف «سنگ به نه» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۰۱)، ج (برگ ۲۷)، ق (برگ ۲۵۰)، ک (برگ ۱۸۱)، م (برگ ۵۹) آمده است. «سنگ به نه» هم معنای درست و استواری دارد و هم تصویر زیبایی به بیت می‌بخشد. نه شیشه گردون استعاره از نه فلک است. با بیت زیر سنجیده شود:

نقش این نه شیشه گر یادم نباشد، گو مباش سیر مینایی دگر در طاق نسیان کرده‌ام
(بیدل دهلوی، ۱۳۸۷: ۱۱۴۱)
۲۲ شب دل از یاد تو در عالم حیرانی بود هوس عشق مرا ذوق خداخوانی بود
(فیضی، ۱۳۶۲: ۳۶۹)

«هوس عشق» ترکیبی حشوآمیز است و اگر معنایی هم بپذیرد، معنی شیوا و دلپسندی نخواهد بود؛ اما «هوس عشق»

که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۱۹)، ق (برگ ۲۲۴)، م (برگ ۴۰) آمده است، هم تصویری زیبا و نو است و هم معنی بیت را روشن و روان می‌کند و با «خداخوانی» پیوندی آشکار می‌یابد.

۲۳ دل می‌تپد به کاکل او از شکنج زلف بین مرغ کز نفس به سوی دام می‌رود

(همان: ۳۷۳)

مصراع دوم تحریف‌شده می‌نماید و معنی درستی ندارد. «بین» بی‌گمان تصحیف «بس» و «نفس» تصحیف «ففس» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۳۷)، ج (برگ ۲۵)، ق (برگ ۲۱۸)، م (برگ ۵۷) آمده است و این‌گونه، معنی مصراع روشن و روان می‌شود و نیز قرینه‌سازی تمثیلی آن با مصراع اول درست می‌گردد.

۲۴ گر تو ننداری سر فرمان من می‌کنم از دست تو خود را شهید

(همان: ۳۸۷)

«فرمان» با فضای معنایی بیت هم‌خوانی ندارد. این کلمه بی‌شک تصحیف «قربان» است که در ت (برگ ۲۵۵)، ق (برگ ۲۵۲)، م (برگ ۶۰) آمده است و با فضای معنایی بیت به‌طور کامل سازگار است. هم‌چنین قربان من به معنی قربانی کردن من است.

۲۵ من و غواصی بحر محبت گرچه می‌دانم حبابی هم نیارد دست بیرون زد ز گردابش

(همان: ۴۰۷)

مصراع دوم به این شکل اگر غلط هم نباشد، معنی و ساختار روان و شیوایی ندارد؛ اما «حبابی هم نیارده است بیرون سر» که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۵۰)، ج (برگ ۴۸)، ق (برگ ۲۷۰)، ک (برگ ۲۱۰)، م (برگ ۷۱) آمده است، هم ساختار استواری دارد و هم معنی روان و رسایی به بیت می‌بخشد.

۲۶ کی از شکاف خامه گشاید در حضور از تیغ عشق پرده دل را نکرده عشق

(همان: ۴۲۶)

مصراع دوم به این شکل نادرست است. بی‌گمان «عشق» تصحیف «شق» است که در دست‌نویس‌های ج (برگ ۵۲)، ق (برگ ۲۷۶)، ک (برگ ۲۱۹)، م (برگ ۷۴) آمده است و معنی روشن و روانی دارد. شق کردن (شکافتن و چاک کردن و دو نیم کردن) تعبیری است که در شعر سراینده‌گان دیگر نیز وجود داشته است:

بی‌نظاره پرده شرم شق کرد ز تاب دیدنش شیرین عرق کرد

(وحشی بافقی، ۱۳۸۱: ۴۲۱)

۲۷ من چنین کاسه خاشاک صفت از غم دل در دلم شکوه چو آتش که فتد در خاشاک

(فیضی، ۱۳۶۲: ۴۲۸)

مصراع اول با «کاسه» ساختار و معنی درستی ندارد و به ابهام در بیت انجامیده است. بی‌تردید صورت درست، «کاسته» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۹۱)، ج (برگ ۵۳)، ق (برگ ۲۷۸)، ک (برگ ۲۲۱)، م (برگ ۷۵) آمده است.

۲۸ نمک به پسته مزن بهر تلخی می‌نابم که بوسه بر لب ساقی بس است لعل شرابم

(همان: ۴۳۶)

«لعل شراب» به‌هیچ‌روی با فضای معنایی بیت هماهنگ نیست و معنی درستی ندارد. به‌یقین این ترکیب تصحیف

«نقل شراب» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۳۱۵)، ج (برگ ۶۸)، ق (برگ ۳۰۲) آمده است و به‌خوبی با فضای معنایی بیت سازگار است و معنی روشن و روانی دارد. اشاره به سنت نقل و مزه‌خودن همراه با شراب، به درستی این ترکیب می‌افزاید.

۲۹ کبک بهشت بوده ام فقهه بر فرشته زن در پی صید پشه‌ای هم‌تک سگ‌مگس شدم
(همان: ۴۴۰)

«پیشه» تصحیف «پشه» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۹۷)، ج (برگ ۷۰)، ق (برگ ۲۹۶)، ل (برگ ۳۴)، م (برگ ۲۶۲) آمده است و با فضای معنایی و تصویری بیت تناسب آشکاری دارد. پشه در اینجا کنایه از هر چیز پست و خرد است. با بیت زیر سنجیده شود:

کم‌همتان به حاصل دنیای مختصر در صید پشه زحمت شهباز می‌دهند
(بیدل دهلوی، ۱۳۸۷: ۵۲۴)

۳۰ تا در وصل آمدم آبله‌پای همچنان حلقه کبرای او پا زده باز پس شدم
(فیضی، ۱۳۶۲: ۴۴۰)

«پا زده» با فضای معنایی بیت هماهنگ نیست. واژه درست، «نازده» است که در ت (برگ ۲۹۷)، ج (برگ ۷۰)، ق (برگ ۲۹۶)، ل (برگ ۳۴)، م (برگ ۲۶۲) آمده است و با آن، بیت معنی رساتر و روان‌تری دارد.

۳۱ شهباز بس که یاد تو دارد در آتشم چون آفتاب شعله زند هر سحر دلم
(همان: ۴۴۶)

«شهباز» به هیچ روی با ساختار معنایی بیت هماهنگ نیست. این کلمه بی‌گمان تصحیف «شب‌ها ز» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۹۸)، ج (برگ ۵۷)، ق (برگ ۲۸۲)، ک (برگ ۲۳۰)، م (برگ ۷۹) آمده است و سخن با آن هم روان و رسا می‌گردد و هم با «آفتاب» در مصراع دوم پیوند استواری می‌یابد.

۳۲ پا نمی‌کوبیم بر گردون که هنگام صبح غیر را مستانه از بام سرور انداختیم
(همان: ۴۵۷)

«پا نمی‌کوبیم» تصحیف «پای می‌کوبیم» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۳۲۰)، ج (برگ ۷۱)، ق (برگ ۲۹۸) آمده است و بیت با آن، معنی استوارتری می‌پذیرد.

۳۳ چون دیو شیشه‌بند نمائیم زیر چرخ هم چون ملک به عالم بالا برون رویم
(همان: ۴۶۷)

«نمائیم» تصحیف «نمانیم» در دست‌نویس‌های ت (برگ ۳۰۶)، ق (برگ ۲۹۰)، م (برگ ۸۴) است که باتوجه‌به فضای معنایی بیت به‌ویژه مصراع دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۳۴ خرده‌دانان جهان یک سر مویی نبرند بس که وصف دهن تنگ تو مجمل گویم
(همان: ۴۷۱)

«یک سر مویی نبرند» معنی آشکاری ندارد و تصحیف «یک سر مو پی نبرند» است که در دست‌نویس‌های ج (برگ ۵۹)، ق (برگ ۲۸۴)، ک (برگ ۲۳۴)، م (برگ ۸۱) آمده است. بیت با این عبارت معنی درست و آشکاری دارد.

۳۵ به سامان من در جهان کس نبودی اگر ترک چشمت نمی‌کرد نالان
(همان: ۴۷۵)

بیت با «نالان» هم معنی دارد؛ اما فضای معنایی بیت نشان می‌دهد که «نالان» تصحیف «تالان» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۳۲۷)، ج (برگ ۷۶)، ق (برگ ۳۰۸)، ک (برگ ۲۵۷)، م (برگ ۹۰) آمده است. تالان به معنی غارتگری و چپاول با حال و هوای معنایی بیت و واژه ترک بسیار متناسب است. با بیت زیر سنجیده شود:

عقل هندو دردسر می‌داد و ما خانه‌اش ترکانه تالان کرده‌ایم

(شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۶۹: ۴۳۷)

۳۶ شد تیره جهان در نظرم روز جدایی ای روز سیه دیده بینا و شب تو

(فیضی، ۱۳۶۲: ۴۹۱)

مصراع دوم به این شکل نادرست می‌نماید و معنی استواری ندارد. به گواهی دست‌نویس‌های ت (برگ ۳۳۰)، ج (برگ ۸۲)، ق (برگ ۳۱۲)، ک (برگ ۲۶۳)، م (برگ ۹۳) «دیده بینا» تصحیف «دیده مینادا» است که مصراع با آن، معنی درستی می‌پذیرد.

نمونه‌های دیگری از تحریفات و تصحیفات راه‌یافته به غزلیات دیوان فیضی:

صفحه	متن چاپی دیوان	دست‌نویس‌های استفاده‌شده نگارندگان
۱۹۰	بو که به شورش جنون پرورم این لباس را	بو که به شورش جنون بر درم این لباس را
۱۹۸	خون که بر رو و دیده است او را	خون که بر رو و دویده است او را
۲۰۹	حاجت به نصب نیست به دیوار پست ما	حاجت به نقب نیست به دیوار پست ما
۲۲۶	نیست سوادای عشق در هر کس	نیست سودای عشق در هر کس
۲۳۱	الماس نیم‌سوده به جان نگار ریخت	الماس نیم‌سوده به جان فگار ریخت
۲۴۲	گنبد طرره پریشان نیست	گنیه طرره پریشان نیست
۲۴۸	یک نفس از پای نخواهد شکست	یک نفس از پای نخواهد نشست
۲۴۹	تا ز نوک مژه چون خامه سیاهی ریز است	باز نوک مژه چون خامه سیاهی ریز است
۲۵۷	با همه غمزه به خونریزی دل‌ها مشتاق	با همه غمزه به خونریزی دل‌ها مشتاب
۲۶۳	شمع من از هجوم اسیران میانه تنگ	شمع من از هجوم اسیران میا به تنگ
۲۶۵	کم برو سربسته طومار جنونم پیش یار	کم برد سربسته طومار جنونم پیش یار
۲۷۵	دوش پر باده که بر یاد حریفان خوردم	دوش هر باده که بر یاد حریفان خوردم
۲۹۱	مرهم داغ دل من دیده‌اش	مرهم داغ دل من دید دوش
۲۹۳	ز جلوه یار چنین ماندنت ز تمکین نیست	ز جلوه باز چنین ماندنت ز تمکین نیست
۲۹۷	بس که پیچی به هر سخن از دوست	بس که پیچی به هر سخن زود است
۳۱۳	باز شد فیضی گریبان‌چاک از دست تهی	باز شد فیضی گریبان چاک از دست بتی
۳۱۵	بت زیر خرقه کرده حرم می‌کنم طواف	بت زیر خرقه گرد حرم می‌کنم طواف
۳۲۵	به جز دوری چه حاصل زین خس و خاشاک خواهد شد	به جز دودی چه حاصل زین خس و خاشاک خواهد شد
۳۶۹	تا نشستیم در آتش ز بتی روشن شد	تا نشستیم در آتش ز بتی روشن شد

گل ریز و می بنوش که تا کرده‌ای گناه	گل ریز و می بنوش که تا کرده‌ای گناه	۳۷۳
او به صد عربده و جنگ چرا می آید	او به صد عربده و جنگ چرا می آید	۳۸۰
بهر دل خون شده زلف و رخ مشک‌خطان	بهر دل خون شده زلف و رخ خشک‌خطان	۳۹۴
ما ز آفتاب‌رویوان واسوختیم آخر	باز آفتاب‌رویوان واسوختیم آخر	۳۹۸
شراب پردگی حسن پرده‌سوز تر است	شراب پردگی حسن پرده‌سوز تو راست	۴۰۲
پیوسته گرم بحث و جدل بینمت ولی	پیوسته گرم بحث و جدل بینمت دلی	۴۲۶
که گوشه‌ای ز نگه دزد و رهنزت گیرم	که گوشه‌ای ز نگه دزد و رهنزت گیرم	۴۴۴
لشکر عشق تا فرود آمد	لشکر عشق تا فرود آمد	۴۵۰
ما رهنزان قافله‌پرداز غفلتیم	ما رهنزان قافله‌پرواز غفلتیم	۴۵۴
سنگ رد بر شیشه و جام طهور انداختیم	سنگ زد بر شیشه و جام طهور انداختیم	۴۵۷
بر فرق ما بلازده داغ جنون مسوز	بر فرق ما بلازده داغ جنون سوز	۴۵۸
جهان عاقبت آرام دارد غمزه را سرده	جهان عاقبت آرام دارد غمزه را سرده	۴۷۴
چون غمزات نجسته خدنگی ز شست حسن	چون غمزات بجسته خدنگی ز شست حسن	۴۷۹
ای پاره‌ای از جگر نگه کن	صد پاره خون‌جگر نگه کن	۴۸۲
سگ حیای تو کردم فرشته‌خوی کسی	شک حیای تو کردم فرشته‌خوی کسی	۵۱۶

۲-۳ افتادگی‌ها

افتادگی‌ها یکی از شایع‌ترین و پربسامدترین خطاهاست. «تصرف‌های سهوآمیز کاتبان گاه براساس خستگی و خطای چشم رخ می‌داده است؛ به شکلی که کاتب به علت خستگی چشم، حرف یا کلمه‌ای را تکرار می‌نویسانیده و یا حرف یا کلمه‌ای را می‌انداخته است» (مایل هروی، ۱۳۷۹: ۲۳۷). این‌گونه خطای تصحیح در دیوان فیضی، به‌ویژه غزلیات، به شکل‌های زیر بسیار یافت می‌شود:

۱-۲-۳ گاهی حرفی یا کلمه‌ای از بیت افتاده است:

۱ از عشق [] من خبر بگوئید زمین منزل پر خطر بگوئید
(فیضی، ۱۳۶۲: ۳۹۱)

در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۹۵)، ق (برگ ۲۰۴)، ک (برگ ۱۴۴)، م (برگ ۳۷) «از عشق به من» آمده است.

۲ بوالهوس فارغ ز سیل اشک [] عاشق غرقه خون

خس در این گرداب پیدا و گهر پنهان بود
(همان: ۳۶۸)

در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۲۸)، ج (برگ ۲۵)، ق (برگ ۲۴۸)، م (برگ ۵۷) «ز سیل اشک و» آمده است.

۳ بر صفحه روی [] نگر خط استاد قضا نوشته سر خط
(همان: ۴۱۹)

در همه دست‌نویس‌ها «روی او» آمده است.

۴ ندهد چراغ صبح فروغ [] چراغ گل هر صبح روشنایی دیگر گرفته است
(همان: ۲۶۰)

در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۷۱)، ق (برگ ۱۷۶)، م (برگ ۲۴) «فروغ و» آمده است.
۲-۲-۳ گاهی از غزلی یک، دو یا چند بیت افتاده است؛ مثلاً غزل شماره ۱۳۳ دیوان که در همه دست‌نویس‌ها هفت
بیتی است، در متن چاپی، شش بیت آمده است. بیتی که از متن چاپی افتاده، این‌گونه است:

بی‌درد غافل از گره سینه‌ام مباش کاین ناشکفته غنچه گلزار غیرت است

(ت: برگ ۱۷۸)؛ (ق: برگ ۱۹۳)؛ (ک: برگ ۱۵۴)؛ (م: برگ ۲۷)

یا غزل شماره ۲۱۱ که در متن شش بیت ضبط شده است و این بیت از متن افتاده است:

کعبه ویران بکن ای عشق که شمع ره ماست هر که سنگی ز سر راهگذاری برداشت

(ت: برگ ۱۵۱)؛ (ق: برگ ۱۶۸)؛ (م: برگ ۱۷)

نیز غزل ۲۴۹ در همه دست‌نویس‌های استفاده‌شده نگارندگان هفت بیت است؛ اما در متن چاپی چهار بیت آمده است.

۳-۲-۳ گاهی بیت مقطع غزل از متن افتاده است؛ مانند غزل شماره ۴۴۱ و یا غزل شماره ۲۷۰ که بیت مقطع آن از
متن افتاده است و در همه دست‌نویس‌های نگارندگان این جستار ذکر شده است. گاهی به سبب اشتباه و لغزش چشم
کاتب در رونویسی، مصراع‌ها درهم آمیخته است؛ مانند مطلع این غزل:

گر بر لبم نهد قدح نیم‌خورده را صد جان پی به منزل مقصود برده را

(فیضی، ۱۳۶۲: ۱۹۹)

با رجوع به دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۳۴)، ق (برگ ۱۵۴)، ک (برگ ۱۱۰)، ل (برگ ۲۳)، م (برگ ۱۱) می‌توان
دریافت که ابیات آغازین این غزل این‌گونه است:

ساقی کشد به رقص دل خون‌فسرده را گر بر لبم نهد قدح نیم‌خورده را

و چون کنم که عشق تو آواره می‌کند صد جان پی به منزل مقصود برده را

به بیان دیگر خطای چشمی سبب شده است تا کاتب، مصراع دوم بیت اول و مصراع دوم بیت دوم را به‌صورت یک
بیت بنویسد و دو مصراع دیگر را از قلم بیندازد.

۴- نادرستی‌های وزنی

بسیاری از ابیات ثبت‌شده در دیوان فیضی، از نظر وزنی اشکال دارد و با وزن شعر ناهماهنگ و ناهمخوان است. نمونه‌ها:

۱ گر بدانی قدر لذت یکتایی را به دو عالم ندهی یک دم تنهایی را

(همان: ۲۰۳)

در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۳۲)، ق (برگ ۱۵۲)، ک (برگ ۱۰۷)، م (برگ ۱۰) «قدری» آمده است.

۲ بر خواب دو چشم او می‌گرید گیراست به طبع ناتوان خواب

(همان: ۲۲۳)

در دیوان فیضی چاپ اداره تحقیقات پاکستان «میگرد» آمده که حسین آهی با اندک دست‌کاری آن را به «می‌گرید» تغییر داده است؛ این هر دو تصحیف «مگیرید» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۱۴۳)، ق (برگ ۱۵۶)، ک (برگ ۱۱۳) آمده است و با آن هم وزن و هم معنی درست می‌شود.

۳ مپوش چهره ز فیضی که پاک‌بینان را نظر به آینه دل مقابل افتاده است

(همان: ۲۶۱)

اشکار است که «آینه» وزن مصراع را خراب می‌کند و «آینه» درست است که در همه دست‌نویس‌ها آمده است. در چند جای دیگر متن چاپی نیز این اشتباه رخ داده است (ر.ک: همان: ۱۸۵).

۴ معاشران چمن را چه جای پیغام است که با هزاران وقت است در خروش آمد

(همان: ۳۳۲)

مصراع دوم از نظر وزنی و معنایی نادرستی دارد و درست آن «که با هزار زبان وقت در خروش آمد» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۲۴۵)، ج (برگ ۱۳)، ق (برگ ۲۳۴)، ل (برگ ۳۱) آمده است.

۵ ناکرده اثر هم زلف دل بگدازد مرهم که به داغ دل افکار بیندم

(همان: ۴۴۰)

مصراع نخست هم از نظر وزنی و هم از نظر مفهومی و معنایی مخدوش است و درست «ناکرده اثر هم ز تف دل» است که در دست‌نویس‌های ج (برگ ۶۱)، ق (برگ ۲۸۶)، ک (برگ ۲۳۸)، م (برگ ۸۲) آمده است و به سبب هم‌شکلی «ز تف» به «زلف» تصحیف شده است.

۶ بر سر کوی تو شب‌هایی که ماندیم به عیش کآسمان پوشش ما بود و زمین بستر ما

(همان: ۵۲۹)

وزن مصراع اول خراب است و درست «شب‌ها گذرانندیم» است که در دست‌نویس‌های ج (برگ ۱۲۲)، ق (برگ ۳۵۸) آمده است.

۷ غنچه مپسند به روی نرگس ساقی شیشه می بر سر پیاله گشاید

(همان: ۵۳۲)

وزن مصراع نخست با «مپسند» درست نیست و درست «ببند» است که در ت (برگ ۲۵۴)، ج (برگ ۳۷)، ق (برگ ۲۴۲) آمده است.

۸ ای که لبریز حسد می‌کردی دل سر پر زکین

کژدمی در جیب داری ماری اندر آستین

(همان: ۵۳۴)

وزن مصراع اول بسیار مخدوش است و درست آن در دست‌نویس‌های ج (برگ ۱۲۴)، ق (برگ ۳۶۰) آمده است و عبارت است از: «ای که لبریز حسد می‌گردی و سرتیز کین». البته تبدیل «سرتیز» به «سر پر ز» از نمونه‌های شگفت تصحیف است.

۹ طیب نبض دان را دست نبود بر آن دردی کو درمانش تو باشی
(همان: ۵۳۵)

آشکار است که وزن مصراع دوم درست نیست و درست «که» به جای «کو» است که در دست‌نویس‌های ت (برگ ۳۴۷)، ج (برگ ۱۰۲)، ق (برگ ۳۳۴) آمده است.

۵- نادرستی‌های دیگر

۱-۵ تکرار دوباره یک غزل

در متن چاپی دیوان گاه برخی از غزل‌ها دو بار و در دو جا تکرار شده است. برای نمونه غزل زیر:

مرا به راه محبت دو مشکل افتاد است که خون گرفته ام و یار قاتل افتاد است
(همان: ۲۴۲)

مرا به راه محبت دو مشکل افتاده است که خون گرفته ام و یار قاتل افتاده است
(همان: ۲۶۲)

آشکار است که سبب این تکرار، شیوه نگارش و به سخن درست‌تر بی‌وجهی به شیوه نگارش است که «افتاده است» را یک‌بار به همین صورت و بار دیگر به صورت «افتاد است» خوانده‌اند؛ در نتیجه غزل دو بار آورده شده است. غزل زیر نیز به همین علت دو بار آمده است:

در دل من هوس وصل کسی افتاد است که از او در دل هر کس هوسی افتاد است
(همان: ۲۴۲)

در دل من هوس وصل کسی افتاده است که از او در دل هر کس هوسی افتاده است
(همان: ۲۶۲)

۲-۵ شماره‌گذاری اشتباه غزل‌ها

غزلیات در متن چاپی دیوان شماره‌گذاری شده است و دو غزل به‌طور نادرست با شماره ۲۰۱ ذکر شده است (ر.ک: فیضی، ۱۳۶۲: ۲۶۹ - ۲۶۸)؛ در نتیجه شمار غزل‌ها از ۷۶۵ به ۷۶۴ تغییر یافته است.

۶- نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد می‌توان دریافت که چاپ‌های موجود از دیوان فیضی بدون بهره‌گیری از روش‌های درست و علمی تصحیح و تنها باتکیه بر چند دست‌نویس متأخر انجام شده است؛ به همین سبب، این آثار شایسته و بایسته این شاعر نام‌آور و بزرگ سده دهم و پیشگام سبک هندی نیست؛ زیرا همه این چاپ‌ها - هم چاپ‌های سنگی و هم چاپ به اصطلاح تصحیح‌شده پاکستان و هم افست دست‌کاری شده ایران - افزون‌بر کاستی‌ها و نادرستی‌هایی مانند اختلالات وزنی، ناقص‌بودن، افتادگی بسیار و... سرشار از نادرستی و تحریف و تصحیف‌اند. نادرستی‌های این آثار گاه بسیار آشکار است و شعر شاعر را از روانی و شیوایی انداخته است و حتی آن را مبهم و بی‌معنی می‌کند. البته دامنه تصحیفات و تحریفات در غزلیات فیضی بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر از نمونه‌های ذکر شده است؛ به‌گونه‌ای که در دیوان وی به‌ویژه بخش غزلیات، کمتر صفحه‌ای می‌توان یافت که ابیات آن تصحیف و تحریف نشده باشد. بدیهی است با بررسی قصاید

و اشعار دیگر شمار تصحیفات و تحریفات بسیار بیشتر می‌شود. وجود این همه کاستی و نادرستی در دیوان شاعری به این بزرگی، تصحیح علمی دقیق از دیوان او را ضروری کرده است. به همین سبب پیشنهاد می‌شود پژوهشگران باتوجه به دست‌نویس‌های معتبر موجود، دیوان و آثار دیگر این شاعر گران‌قدر را تصحیح کنند و از کاستی‌ها و نادرستی‌های یادشده و یادنشده آن را بپیرایند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی کامل از زندگی و شرح احوال و آثار وی ر. ک: حجتی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۰۱۲ و صفا، ۱۳۶۹: ۸۳۹.
 ۲. گفتنی است تصحیح دیوان فیضی در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه علامه طباطبایی موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد یکی از دانشجویان این دانشگاه به نام سپهر رمضان‌پور بوده است. در این پژوهش، دیوان شاعر برپایه متن چاپی دیوان و دو نسخه متأخر (قرن ۱۲ و قرن ۱۳) تصحیح شده است. متأسفانه با بررسی این تصحیح چنین دریافت شد که بسیاری از تحریف‌ها و خطاخوانی‌هایی موجود در دیوان، به این تصحیح نیز راه یافته است.

منابع

- ۱- اکسیر اصفهانی، میرزا عظیما (۱۳۹۵). *اکسیر سخن، گزیده غزلیات اکسیر اصفهانی*، مقدمه، گزینش، تعلیقات، محمد مصطفی رسالت پناهی، مژگان محمدی، کاشان: مرسل.
- ۲- امین احمد رازی (بی‌تا). *هفت اقلیم*، جلد ۱، تصحیح و تعلیق جواد فاضل، تهران: علمی.
- ۳- اوحدی حسینی دقانی بلیانی اصفهانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹). *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد (با نظارت علمی محمد قهرمان)، تهران: میراث مکتوب با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز مجلس شورای اسلامی.
- ۴- بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق (۱۳۸۷). *غزلیات بیدل*، براساس نسخه خال محمد خسته و خلیل‌الله خلیلی، به کوشش فرید مرادی، تهران: زوار.
- ۵- حجتی (۱۳۸۰). *دانش‌نامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره هند، پاکستان، بنگلادش*، جلد چهارم، بخش سوم، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- درایتی، مصطفی (۱۳۹۱). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، جلد ۱۴، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- ۷- شاه نعمت‌الله ولی، نعمت‌الله بن عبدالله (۱۳۶۹). *کلیات اشعار*، به سعی محمدجواد نوربخش، تهران: خانقاه نعمت‌اللهی.
- ۸- شکفته، صغری بانو (۱۳۸۹). «پژوهشی در افکار و اندیشه‌های فیضی، برجسته‌ترین فارسی‌گوی دوره تیموریان شبه قاره»، *فصلنامه دانش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان*، پاییز، شماره ۱۰۲، ۵۱ - ۷۷.
- ۹- صائب تبریزی، میرزا محمدعلی (۱۳۸۳). *دیوان، تصحیح محمد قهرمان*، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۰- صبور، داریوش (۱۳۷۰). *آفاق غزل فارسی، سیر انتقادی در تحول غزل*، تهران: گفتار.
- ۱۱- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران، از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری*، جلد ۵، تهران:

فردوس، چاپ پنجم.

۱۲- عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد (۱۳۷۸). کلیات، به اهتمام و تصحیح محمد ولی‌الحق انصاری، تهران: دانشگاه تهران.

۱۳- غفاروا، ضمیره (۱۳۹۰). جانب هندوستان آید همی، دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.

۱۴- فیضی فیاضی، ابوالفیض بن مبارک (۱۰۰۵ ق). دیوان، دست‌نویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کاتب: محمد مؤمن بن نصیرالدین محمد، شماره، ۶۶۷.

۱۵- ----- (۱۰۱۶ ق). گزیده دیوان فیضی، دست‌نویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۴۷۴،

۱۶- ----- (۱۳۶۲). دیوان فیضی، بزرگ‌ترین شاعر سده دهم سرزمین هند، با تصحیح و تحقیق ای. دی ارشد، با مقدمه و مقابله حسین آهی، تهران: فروغی.

۱۷- ----- (۱۳۴۶ ش، ۱۹۶۷ م). کلیات فیضی، مشتمل بر قصاید و غزلیات و مطالع، جلد ۱، تصحیح ای. دی ارشد زیر نظر سید وزیرالحسن عابدی، لاهور: اداره تحقیقات پاکستان.

۱۸- ----- (قرن ۱۲). کلیات، دست‌نویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره، ۲۴۷۵.

۱۹- ----- (قرن ۱۱). دیوان، دست‌نویس کتابخانه و موزه ملی ملک، شماره، ۴۷۳۷.

۲۰- ----- (قرن ۱۱). کلیات، مشتمل بر دیوان، مثنوی نل و دمن، مرکز ادوار، دست‌نویس کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره، ۴۳۴۴۵.

۲۱- ----- (شاید قرن ۱۱). دیوان، دست‌نویس کتابخانه ملی ایران، شماره ۱۵۳۹۷.

۲۲- ----- (۱۸۹۴ م). دیوان، چاپ سنگی، دهلی: مطبع افتخار.

۲۳- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹). نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی)، مشهد: آستان قدس رضوی.

۲۴- ----- (۱۳۷۹). تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۲۵- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۹۰). هفت پیکر، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره، چاپ دهم.

۲۶- نظام‌الدین احمد (۱۹۳۱). طبقات اکبری، جلد ۲، به کوشش بی. دی. ام. ای. آئی. اس، کلکته: انجمن آسیایی بنگال.

۲۷- نوشاهی، عارف (۱۳۹۰). کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش) از سال ۱۱۶۰-۱۳۸۶ ه. ش / ۱۱۹۵-۱۴۲۸ ه. ق / ۱۷۸۱-۲۰۰۷ م، تهران: میراث مکتوب.

۲۸- وحشی بافقی، کمال‌الدین (۱۳۸۱)، دیوان، به سعی و اهتمام پروین قائمی، تهران: پیمان.